

از جلو چشم ما هم گم نشو!

عضو کمیسیون انرژی مجلس اعلام کرده بود یک مسئول وزارت نفت در پاسخ به نامه رئیس جمهور گفته است: «روانه ۴ هزار تن گاز مایع در کشور مشخص نیست در کجا استفاده می شود». هم زمان خبر رسید که «۱۴ هزار قرص نان در زاهدان گم شده است». همچنین خبرهایی درباره گم شدن خانم شبینم نعمت زاده، محکوم اقتصادی در زندان اوین، منتشر شد که چندباری تکذیب و تأیید شد. همه این ها باعث شد تا در این «گیرک» به موضوع گم شدن های اخیر بپردازیم.

چه کار کنیم گم نشود؟

همان طور که از قدیم گفته اند، علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. در این موارد هم باید پیش از گم شدن چیزی، خودمان مراقب باشیم و اقدامات امنیتی را انجام دهیم. مثلاً اسممان را رویش بنویسیم یا بر چسب و پلاکی به آن آویزان کنیم (مثلاً روی گازهایی که فرار هستند و گم می شوند) یا یک نخ دورش ببندیم تا از جایش تکان نخورد (برای دکل هایی که غیب می شود) یا به آن جی پی اس وصل کنیم تا هر جا گم شد، سریع بتوانیم پیدایش کنیم (برای نان هایی که ناپدید می شوند).

خوب دنبالش گشتی؟

اما اگر چیزی گم شد، باید چند نکته را عملی کنیم؛ نکاتی که مخصوص مادران است و اینجا هم به دردمی خورد. پروتکل هایی مانند: «خوب دنبالش نگشتی... توی اون کشوئه ست... همون کشوئه... پشت اون چیز است (پروتکل آجیل شب عید)... آگه خودم پیام پیدا کنم، من می دونم و تو...» همین یک جمله کافی است تا مجبور شویم تا سر حد مرگ بگردیم تا آن چیز را پیدا کنیم.

گم شده پیدا نشه

اول اینکه گم شدن موضوع عجیبی نیست؛ از ناپدید شدن کش سر خانم ها و جوراب آقایان و کنترل تلویزیون گرفته تا درپوش های چاه فاضلاب و کابل تلفن و برق و تجهیزات راهنمایی و رانندگی و حتی دکل نفت. ماسابقه گم شدن و پیدا نشدن همه این ها را داشته ایم و نباید خیلی ناراحت بشویم. پس گام اول هنگام گم شدن یک چیز، آن است که خون سردی خود را حفظ کنیم و بی خیال پیدا شدنش بشویم.

اگر دوباره گم شه چی؟

حال اگر با همه این اقدامات آن چیز گم شد و بعد از گشتن هم پیدا نشد، باز هم چاره داریم. اول اینکه تکذیب کنیم و بگوییم اصلاً هم گم نشده (مخصوص محکومانی که نه در زندان هستند و نه بیرون زندان پیدا می شوند)، یا توپ را در زمین یکی دیگر ببندیم (مثلاً بگوییم چون بنزین ارزان است، هی گم می شود) یا بگوییم اصلاً از اول نبوده (باز هم پروتکل مادران است که وقتی خودشان یک چیزی را می شکنند، می گویند اصلاً خراب بود و به درد نمی خورد) و در پایان اگر هیچ کدام از این روش ها مخاطبان را راضی نکرد، بگوییم «اصلاً به من چه، خودش گم شد» و خلاص!



صفحه ۴
۲۷ آبان ۱۴۰۲
شماره ۸۸

هر کی بین خطوط نره...!

فرهنگ شهروندی

ایرج طوفان

اگر از من پرسید مظلومانه ترین جمله ای که تا امروز شنیده ام چیست، فوری از قول مدیر کارخانه ساندیس می گویم: «از اینجا باز کنید». این در حالی است که همه از «آنجا» باز می کنند! بنده با ۳۵ سال سابقه پرواز... ببخشید! با ۳۵ سال سابقه نویسندگی، به جرئت اعلام می کنم در سراسر تاریخ زبان فارسی، روی هیچ جمله ای تا این اندازه زمین نیفتاده است!

جمله ها چهار نوع اند: خبری، پرسشی، عاطفی و امری. این جمله کاملاً امری است. گوینده حتی نمی گوید «لطفاً». مؤکد نوشته است: «از اینجا باز کنید». اما اگر شما یک نفر را پیدا کردی که از اینجا باز کرد، اونوبه من نشان بده!

★ گروهی از زبان شناسان معتقدند شاید ایراد کار همین باشد. یعنی اگر از کلمه های به اصطلاح جادویی استفاده می کردند و برای مثال می گفتند «خواهش می کنم از اینجا باز کنید». ممکن بود دست کم یکی دو نفر به حرفشان گوش کنند.

★ گاهی از زبان شناسان معترضند شاید ایراد کار همین باشد. یعنی اگر از کلمه های به اصطلاح جادویی استفاده می کردند و برای مثال می گفتند «خواهش می کنم از اینجا باز کنید». ممکن بود دست کم یکی دو نفر به حرفشان گوش کنند.